

به نام خدا

شرح طرح شکایت (دادخواست) به دیوان عدالت اداری

باسلام

احتراما به استحضار می رساند بدینوسیله به رای هیئت حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر در سازمان امور مالیاتی (موضوع رسیدگی به تراکنش های بانکی) به شماره که به موجب آن منجر به تایید تشخیص مالیات به مبلغ ریال و در تاریخ ابلاغ شده است به شرح زیر اعتراض و تقاضای رسیدگی و ابطال رای مورد اشاره را دارم:

- ۱- همانگونه که استحضار دارید به موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۳۱ مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۶ صادره از هیئت تخصصی دیوان عدالت اداری (پیوست شماره ۱)، ورود نمودن به گردش بانکی برای محاسبه و تعیین درآمد مشمول مالیات و مطالبه مالیات لغایت تا پایان سال ۱۳۹۴ بدون داشتن هرگونه اسناد و مدارک مثبت و احراز شده درآمدی خلاف مقررات قانونی است و این موضوع طی دادنامه های متعدد دیگر صادره از شعبات بدوی و تجدیدنظر دیوان عدالت اداری مورد تایید قرار گرفته است و به موجب تبصره ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، دستگاه طرف شکایت مکلف است مفاد دادنامه های شعبات دیوان عدالت اداری را در هر پرونده برای موارد مشابه دیگر لازم الرعایه بداند به خصوص اینکه اگر این امر در مفاد رای به صورت ماهوی ورود شده باشد.
- ۲- به موجب تبصره ماده ۲۳۱ ق.م و ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده وزیر محترم امور اقتصاد و دارایی و رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور می توانند صرفا اطلاعات درآمدی اشخاص را استعلام نمایند و نه کل گردش و تراکنش بانکی و برای سال ۹۵ به بعد هم براساس ماده ۱۶۹ مکرر ق.م، فقط مانده حساب های بانکی مورد گزارش می باشد که این موضوع نیز ملاک عمل واقع نشده است و بدین ترتیب مالیات ناعادلانه و صرفا بر مبنای تراکنش های بانکی و بدون اشاره به اسناد درآمدی مورد اعتماد، مطالبه شده است.
- ۳- تشخیص مالیات ناعادلانه و بر مبنای حدس و گمان صراحتا خلاف اصول ۲۲، ۳۷ و ۵۱ قانون اساسی می باشد و همچنین به استناد بند ۱۱ بخشنامه ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۹۹/۱/۳۱ (پیوست شماره ۲) صادره از سازمان امور مالیاتی، گروه رسیدگی می بایست از حدس و گمان و تعیین شغل مودی بدون وجود مستندات لازم پرهیز نماید که این موضوع نیز متاسفانه رعایت نگردیده است.
- ۴- به موجب ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی آنکه مدعی حقی است باید آن را اثبات نماید و گروه رسیدگی می بایست اسناد و مدارک درآمدی ارائه دهد که در این راستا نیز هیچ گونه اسناد مثبتی بدست نیامده و ارائه نشده است و در گزارش مبنای تشخیص نیز قید نشده است ضمنا طبق ماده ۱۶۹ قانون مالیات های مستقیم، باوجود اینکه معاملات اشخاص در سامانه اطلاعاتی مودیان مالیاتی اعلام می شود گروه رسیدگی هیچ گونه اطلاعی را در این راستا ابراز ننموده است و هیچ گونه سند مورد اعتباری در سامانه جامع مودیان مالیاتی مبنی بر فعالیت اقتصادی اینجانب ارائه نشده است.

۵- به استناد ماده ۱۵۲ قانون مالیات‌های مستقیم، موارد قرائن مالیاتی به صراحت قید شده است و همانگونه که استحضار دارید، موضوع تراکنش‌های بانکی از مصادیق قرائن مالیاتی نمی‌باشد که این موضوع نیز در پاراگراف دوم مکاتبه رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با وزیر امور اقتصادی و دارایی به شماره ۴۲/۵۵۶۴۸ - ۹۶/۷/۵ (پیوست شماره ۳) تاکید شده است.

۶- به موجب ماده ۲۳۷ قانون مالیات‌های مستقیم، برگ تشخیص صادره باید دارای ماخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی باشد که این موضوع رعایت نگردیده است و ضمناً بر اساس ماده ۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم روش رسیدگی و تشخیص مالیات علی‌الراس باید دارای ویژگی‌های زیر باشد که متأسفانه هیچ‌یک از موارد رعایت نشده است (۱- انجام تحقیقات و بررسی‌های لازم برای تعیین قرینه مالیاتی ۲- کسب اطلاعات و استعلام از مراجع مختلف برای تعیین قرینه مالیاتی مناسب ۳- اظهار دلایل انتخاب نوع قرینه و رقم آن با توجیه کافی در گزارش رسیدگی)

۷- طبق بند ۱۸ بخشنامه شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۹۹/۱/۳۱ صادره از سازمان امور مالیاتی، (پیوست شماره ۲) اظهارات مکتوب مودیان مالیاتی از مهمترین اسناد و مدارک مثبت در امر تشخیص مالیات خواهد بود و چنانچه اسنادی خلاف اظهارات مودی موجود نباشد اظهارات مودی مالیاتی مورد تایید می‌باشد و وصول مالیات موضوعیتی ندارد ولی با توجه به اظهارات ارائه شده اینجانب که اعلام نموده‌ام تراکنش‌های مورد اشاره منشا درآمدی نداشته با این حال اظهارات کتبی مورد قبول واقع نشده است.

۸- گروه رسیدگی بدون داشتن هرگونه اسناد و مدارک مثبت درآمده یا فعالیت احراز شده موضوع تبصره ۲۳۱ ق.م.م و همچنین ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و بدون رعایت بخشنامه‌های صادره شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۹۹/۱/۳۱ در مورد رسیدگی به تراکنش‌های بانکی و ۱۷۹۴۰ مورخ ۸۴/۱۰/۱۲ صادره از سازمان امور مالیاتی (پیوست شماره ۴) درخصوص تعریف درآمد کتمان شده همچنین بدون رعایت ماده‌های ۹۳، ۲۳۷، ۱۵۲ قانون مالیات‌های مستقیم و ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی و اصل ۳۷، ۲۲ و ۵۱ قانون اساسی، با اعمال ضریب بدون مبنای قانونی از کل تراکنش‌های بانکی، درآمد مشمول مالیات را تعیین و مورد مطالبه قرار داده است.

۹- علاوه به موارد فوق به استحضار می‌رساند که تمامی (بخش عمده‌ای از) تراکنش‌هایی که منجر به تشخیص مالیات شده است مربوط به جابجایی وجوه شخصی، سود سپرده بانکی، دریافت تسهیلات بانکی، جابجایی وجوه بین اعضای خانواده و قرض و ویعه و ... بوده است و فرض بر درآمد تلقی نمودن آن‌ها توسط گروه رسیدگی خلاف قوانین و مقررات صریح بند ۹ بخشنامه صادره سازمان امور مالیاتی به شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ (پیوست شماره ۲) می‌باشد.

نظر به موارد مطروحه فوق و باتوجه به اختیارات دیوان عدالت اداری در رسیدگی به تظلمات دستگاه‌های اجرایی تقاضای رسیدگی و ابطال رای هیئت حل اختلاف مالیاتی تجدیدنظر به شماره و رفع تعرض مالیاتی را دارم.

پیشاپیش از زحمات و مساعدت جنابعالی کمال قدردانی را دارم.